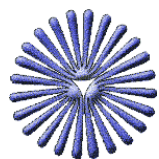


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه پیام نور اردکان

دانشکده علوم انسانی

گروه علمی زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه:

تحلیل و بررسی داستان های عامیانه ی اردکان

استاد راهنما:

دکتریدالله شکیبافر

استاد مشاور:

دکترآسیه ذبیح نیا عمران

نگارش:

الهام کمالی اردکانی

آذر ۱۳۹۰



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

دانشگاه پیام نور

بسمه تعالی

تصویب نامه پایان نامه

پایان نامه تحت عنوان : تحلیل و بررسی داستانهای عامیانه اردکان که توسط
خانم الهام کمالی اردکانی دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی مرکز
اردکان تهیه و به هیئت داوران ارائه گردیده است مورد تأیید می باشد.

تاریخ دفاع: ۱۳۹۰/۹/۱۱ نمره: ۱۹٫۰ درجه ارزشیابی: عالی

اعضای هیئت داوران:

نام و نام خانوادگی	هیئت داوران	مرتبه علمی	امضاء
دکتر بدا... شکیبافر	استاد راهنما	استادیار	
دکتر آسیه ذبیح نیا عمران	استاد مشاور	استادیار	
دکتر سیدعلی قاسم زاده	استاد ممتحن	استادیار	
دکتر مریم السادات اسعدی	نماینده گروه آموزشی	استادیار	



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

دانشگاه پیام نور

بسمه تعالی

صور تجلسه دفاع از پایان نامه

پایان نامه تحت عنوان : تحلیل و بررسی داستانهای عامیانه اردکان که توسط خانم الهام کمالی اردکانی دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی مرکز اردکان تهیه و به هیئت داوران ارائه گردیده است مورد تأیید می باشد.

تاریخ دفاع: ۱۳۹۰/۹/۱۱ نمره: ۱۹۱ درجه ارزشیابی: عالی

اعضای هیئت داوران:

نام و نام خانوادگی	هیئت داوران	مرتبه علمی	امضاء
دکتر یداً... شکیبافر	استاد راهنما	استادیار	
دکتر آسیه ذبیح نیا عمران	استاد مشاور	استادیار	
دکتر سیدعلی قاسم زاده	استاد ممتحن	استادیار	
دکتر مریم السادات اسعدی	نماینده گروه آموزشی	استادیار	

سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا

تقدیم به

روح پاک شهیدان شهرستان اردکان

آن ها که پاک بودن را به ما آموختند و نوخیزهای باور را در قلبمان نشاندند، آن ها که به ما رسم سبز بودن را در کویر خشک زندگی یاد دادند.

تقدیم به آن ها

اگر این تلاش اندک اجری دارد، نشر آن ها که جان خود را فدا کردند تا ما در سایه سار درخت بلند شهادت آرامش راز فرمه کنیم.

شکر و قدردانی:

بر خود فرض می‌دانم که به مصداق «من لم یسکر المخلوق لم یسکر الخالق» قدردان زحمات بی‌دیغ همه‌ی استادانی باشم که

در طول دوره‌ی تحصیل، همواره با سعی و تلاش، تاریکی‌های ذهن مرا به روشنی بدل کردند و با سپاس از استادانها

«آقای دکتر یدالله شکیبافر» و «استاد مشاور» خانم دکتر آسیه ذبیح نیا عمران»

که مراد این امر مهم یاری و همراهی نمودند؛ نیز شکر از همه‌ی همراهان، به خصوص آقای اکبردشتی و خانم حاجی ابراهیمی و

مادربزرگ مهربانم که در نقل داستان‌های عامیانه کجک شایانی نموده اند و از محبت و عاطفه پدر و مادر و خواهرم و مهدی، همسر

عمیماً سپاسگزارم و آرزوی توفیق و تندرستی این عزیزان را از درگاه الهی خواستارم.

چکیده

اردکان از شهرهای کهن ایران دارای گنجینه های گرانبها و ارزشمند از میراث زبانی اقوامی است که در طول هزارها و سده ها در آن زیسته، رشد کرده و بالیده اند. تحقیق و پژوهش از این میراث گرانبها از اصلی ترین مسئولیت پژوهشگران این حوزه است. در پژوهش حاضر تلاش شده تا با جمع آوری داستان های عامیانه ی اردکان و تحلیل و بررسی آن ها، به این گنجینه ی گرانبها یاری گردد.

گردآوری داستان های عامیانه بیشتر به منظور آشنایی و الفت با زندگی مردم انجام می پذیرد، و یکی از امتیازات داستان های عامیانه ی اردکان، نگاه ویژه، دگرگون و هنرمندانه به این داستان هاست. داستان های عامیانه اردکان با تنوع های بیانی و در قالب تابلوهایی هنرمندانه، ذهن مخاطب را نوازش می دهند، و تعلیمی بودن این دسته از داستان ها، در درجه اول اهمیت قرار دارد. در این نوع داستان ها، سرگذشت بسیاری از افراد خوب و بد بیان می شود و از اهداف والای آن ها آشنایی با فرهنگ مذهبی، تعلیم و تربیت، هدایت و عبرت آموزی انسان در قالب داستان است. پرداخت عناصر داستانی در این قصه ها به گونه ای است که مخاطب در برخورد با آنان به مثابه یکی از شخصیت های داستان حضور فعال دارد.

کلید واژه ها: گویش، فرهنگ عامه ی اردکان، ادبیات داستانی، افسانه، روایت.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه.....
فصل اول: کلیات تحقیق	
۶	۱-۱- بیان مسأله.....
۶	۲-۱- سابقه ی تحقیق.....
۶	۳-۱- مسأله های اصلی تحقیق.....
۷	۴-۱- فرضیه های تحقیق.....
۷	۵-۱- هدف های تحقیق.....
۸	۶-۱- روش تحقیق.....
۸	۷-۱- نوع تحقیق.....
۸	۸-۱- مراحل انجام تحقیق.....
فصل دوم: معرفی شهرستان اردکان	
۱۰	۱-۲- شهرستان اردکان.....
۱۰	۲-۲- وجه تسمیه ی اردکان.....
۱۰	۳-۲- موقعیت جغرافیایی، حدود و وسعت.....
۱۱	۴-۲- اردکان در قرون اولیه ی اسلامی.....
۱۱	۵-۲- مشاغل.....
۱۲	۶-۲- معماری.....
۱۲	۷-۲- وضعیت مذهبی.....
۱۳	۸-۲- وضعیت طبیعی.....
۱۳	۱-۸-۲- آب و هوا.....
۱۴	۲-۸-۲- بادهای.....

- ۱۵ ۲-۸-۳- کوه ها
- ۱۵ ۲-۸-۴- رودخانه ها
- ۱۵ ۲-۸-۵- کویرها
- ۱۵ ۲-۸-۶- معادن
- ۱۶ ۲-۹-۹- آثار تاریخی اردکان
- ۱۶ ۲-۹-۱- مسجد جامع اردکان
- ۱۸ ۲-۹-۲- بازار چهار سوق
- ۱۹ ۲-۹-۳- عقدا
- ۱۹ ۲-۹-۴- کاروانسرای حاج ابوالقاسم رشتی
- ۱۹ ۲-۹-۵- چک چک (پیر سبز)
- ۲۰ ۲-۹-۶- خانه آیت ا... خاتمی
- ۲۰ ۲-۹-۷- خانه ی سنایی ها
- ۲۰ ۲-۹-۸- منارجنبان خرانق
- ۲۱ ۲-۹-۹- دربند صدرالفضلاء
- ۲۲ ۲-۹-۱۰- خانه ی تقدیری ها
- ۲۲ ۲-۹-۱۱- مسجد حاج رجب علی چرخاب
- ۲۲ ۲-۹-۱۲- مسجد حاج محمد حسین

فصل سوم: داستان های عامیانه در ایران

- ۲۴ ۳-۱- تعریف فولکلور
- ۲۴ ۳-۲- فولکلور در ایران
- ۲۵ ۳-۳- ویژگی های فولکلور
- ۲۵ ۳-۴- فرهنگ عامه میراث تمدن ها
- ۲۷ ۳-۵- کارکردهای فرهنگ عامه در اجتماع

۲۸جایگاه فرهنگ عامه در ادب فارسی
۳۰داستان سرایی
۳۱۱-۷-۳ قصه گویی سنتی
۳۱۲-۷-۳ قصه گویان مذهبی
۳۲۳-۷-۳ قصه گویان عامیانه
۳۲۴-۷-۳ قصه ها در قلمرو ادبیات شفاهی
۳۳۵-۷-۳ ورود داستان های هندی به ایران
۳۴۶-۷-۳ طرح داستان
۳۶۸-۳ ادبیات داستانی پس از انقلاب
۳۶۱-۸-۳ داستان کوتاه پس از انقلاب
۳۷۲-۸-۳ داستان کوتاه نودر ایران
۳۸۹-۳ نشانه های آوانگاری

فصل چهارم: تحلیل و بررسی داستان های عامیانه ی اردکان

۴۱۱-۴ داستان های عامیانه ی اردکان
۴۱۲-۴ حکایت پیرزنکه
۴۳۳-۴ آوانگاری
۴۴۴-۴ معرفی حکایت پیرزنکه
۴۴۱-۴-۴ ابتدای داستان
۴۵۲-۴-۴ مخاطب
۴۵۳-۴-۴ مبالغه
۴۵۴-۴-۴ انشا
۴۶۵-۴-۴ جملات پرسشی
۴۷۶-۴-۴ تنکیر مسندالیه

- ۴۸ ۷-۴-۴- جملات امری.
- ۴۸ ۸-۴-۴- ندا
- ۴۹ ۹-۴-۴- زاویه ی دید.
- ۵۰ ۱۰-۴-۴- استفاده از واژگان، عبارات و مصطلحات عامیانه.
- ۵۱ ۱۱-۴-۴- فابل.
- ۵۲ ۱۲-۴-۴- کوتاهی جملات.
- ۵۲ ۱۳-۴-۴- پلات ساده.
- ۵۲ ۱۴-۴-۴- توصیف جزئیات.
- ۵۲ ۱۵-۴-۴- استفاده از جمله های تکراری و آهنگین.
- ۵۳ ۵-۴- حکایت اُسنا عَلم.
- ۵۴ ۱-۵-۴- آوانویسی حکایت اُسنا عَلم.
- ۵۴ ۲-۵-۴- تمثیل.
- ۵۵ ۳-۵-۴- معرفی حکایت اُسنا علم.
- ۵۵ ۴-۵-۴- پیشینه تاریخی.
- ۵۵ ۵-۵-۴- راوی داستان یا زاویه ی دید.
- ۵۶ ۶-۵-۴- شخصیت یا قهرمان.
- ۵۶ ۷-۵-۴- لحن.
- ۵۷ ۸-۵-۴- حادثه.
- ۵۷ ۹-۵-۴- زمان بندی حکایت.
- ۵۸ ۱۰-۵-۴- بررسی حکایت اُسنا علم از دیدگاه زبان شناسی.
- ۵۸ ۱-۱۰-۵-۴- حذف.
- ۵۹ ۲-۱۰-۵-۴- ابدال.
- ۵۹ ۳-۱۰-۵-۴- صرف افعال اردکانی.

- ۶۱ ۶-۴-پسران پلشت
- ۶۱ ۱-۶-۴-آوانگاری
- ۶۲ ۲-۶-۴-معرفی داستان
- ۶۲ ۳-۶-۴-سؤال هایی که بعد از شنیدن داستان به ذهن خطور می کند
- ۶۳ ۴-۶-۴-پسران پلشت یک داستان کوتاه لطیفه وار
- ۶۳ ۵-۶-۴-زاویه ی دید
- ۶۳ ۶-۶-۴-به کار گیری واژگان و اصطلاحات اردکانی
- ۶۴ ۷-۶-۴-الف در حسینا الف ندا
- ۶۴ ۸-۶-۴-مکان و زمان
- ۶۴ ۷-۴-خصوصیات داستان های سنتی ایرانی
- ۶۵ ۸-۴-داستان هفت دختر
- ۶۷ ۱-۸-۴-معرفی داستان
- ۶۷ ۲-۸-۴-بررسی وضعیت اجتماعی و روانی داستان
- ۶۸ ۳-۸-۴-ابتدای داستان
- ۶۸ ۴-۸-۴-لطیفه وار بودن داستان هفت دختر
- ۶۸ ۵-۸-۴-تعلیمی بودن داستان هفت دختر
- ۶۸ ۶-۸-۴-داستان هفت دختر یک داستان لطیفه وار تپیک
- ۶۹ ۷-۸-۴-قصه ی هفت دختر بیان کننده ی فقر اجتماعی و فرهنگی
- ۷۰ ۸-۸-۴-شخصیت دده سیاه
- ۷۰ ۹-۸-۴-به کارگیری واژگان محلی و عامیانه
- ۷۰ ۱۰-۸-۴-راوی داستان یا زاویه دید
- ۷۰ ۱۱-۸-۴-کشمکش
- ۷۱ ۱۲-۸-۴-شخصیت ها

۷۲ ۱۳-۸-۴ زمان
۷۳ ۱۴-۸-۴ مدور بودن داستان
۷۳ ۱۵-۸-۴ اوج داستان
۷۳ ۱۶-۸-۴ لحن قصه
۷۴ ۱۷-۸-۴ طب سنتی
۷۵ ۱۸-۸-۴ عدم استفاده قصه هفت دختران در این زمانه
۷۵ ۱۹-۸-۴ قصه ی هفت دختران انتقال دهنده ی تجربه
۷۵ ۹-۹-۴ داستان پیرخارکن
۸۰ ۱-۹-۴ معرفی داستان
۸۰ ۲-۹-۴ ابتدای داستان
۸۱ ۳-۹-۴ بررسی داستان از لحاظ ساختار اجتماعی
۸۲ ۴-۹-۴ میانه ی داستان
۸۲ ۵-۹-۴ پایان داستان
۸۲ ۶-۹-۴ نخوت (= نخود) مشکل گشا
۸۴ ۷-۹-۴ نام شناسی داستان
۸۴ ۸-۹-۴ دانای کل
۸۴ ۹-۹-۴ القای محبت
۸۵ ۱۰-۹-۴ شخصیت ها
۸۵ ۱-۱۰-۹-۴ شخصیت اصلی
۸۵ ۲-۱۰-۹-۴ شخصیت فرعی
۸۵ ۳-۱۰-۹-۴ شخصیت پرداز
۸۵ ۴-۱۰-۹-۴ شخصیت آسمانی
۸۷ ۱۱-۹-۴ طرح

۸۸۱۲-۹-۴ ساختار و ساختمان داستان.....
۸۸۱۳-۹-۴ تعلیمی بودن داستان پیر خارکن.....
۸۹۱۴-۹-۴ اندیشه و محتوا.....
۹۰۱۵-۹-۴ گره افکنی.....
۹۰۱۰-۴ حکایت جوان ترسو.....
۹۱۱-۱۰-۴ مقدمه داستان.....
۹۱۲-۱۰-۴ شخصیت های نامشخص.....
۹۱۳-۱۰-۴ اجزای تشکیل دهنده ی فضای داستان.....
۹۱۱-۳-۱۰-۴ مکان.....
۹۱۲-۳-۱۰-۴ زمان.....
۹۱۴-۱۰-۴ معرفی حکایت.....
۹۱۵-۱۰-۴ تأثیر قوی جملات.....
۹۱۶-۱۰-۴ درون مایه و موضوع.....
۹۳۷-۱۰-۴ شخصیت یا قهرمان Character.....
۹۴۸-۱۰-۴ زاویه ی دید.....
۹۴۹-۱۰-۴ حکایت جوان ترسو حکایتی حادثه پردازانه.....
۹۵۱۱-۴ قصه ی پسرک.....
۹۶۱-۱۱-۴ معرفی داستان.....
۹۷۲-۱۱-۴ واقعی بودن قصه ی پسرک.....
۹۷۳-۱۱-۴ شخصیت پویای پسرک.....
۹۸۴-۱۱-۴ قصه ی پسرک یک داستان ایرانی پندآموز.....
۹۸۵-۱۱-۴ پدر فردی باتجربه و دنیادیده.....
۹۸۶-۱۱-۴ طرح داستان پسرک.....

- ۹۹ ۷-۱۱-۴- پایان داستان
- ۹۹ ۱۲-۴- **قصه ی هفت بزغاله**
- ۱۰۱ ۱-۱۲-۴- قصه ی هفت بزغاله داستانی برای کودکان
- ۱۰۱ ۲-۱۲-۴- زمان
- ۱۰۱ ۳-۱۲-۴- مکان
- ۱۰۱ ۴-۱۲-۴- قصه ی هفت بزغاله یک تمثیل حیوانی
- ۱۰۲ ۵-۱۲-۴- قصه ی هفت بزغاله از سری داستان های کنت (Conte)
- ۱۰۲ ۶-۱۲-۴- قصه ی هفت بزغاله همان شنگول و منگول ایرانی
- ۱۰۳ ۷-۱۲-۴- قصه ی هفت بزغاله آمیخته ای از خیال و واقعیت
- ۱۰۳ ۸-۱۲-۴- تأثیر محیط بر روایت قصه
- ۱۰۴ ۹-۱۲-۴- پایان خوش قصه هفت بزغاله
- ۱۰۴ ۱۰-۱۲-۴- تأکید در پایان داستان
- ۱۰۴ ۱۳-۴- **قصه ی سه بزغاله**
- ۱۰۶ ۱-۱۳-۴- معرفی قصه ی سه بزغاله
- ۱۰۶ ۲-۱۳-۴- قصه ی سه بزغاله یک قصه ایرانی
- ۱۰۶ ۳-۱۳-۴- تعلیمی بودن قصه ی سه بزغاله
- ۱۰۷ ۴-۱۳-۴- هسته ی داستان
- ۱۰۸ ۵-۱۳-۴- حذف و قلب و اضافه در کلمات قصه ی سه بزغاله
- ۱۰۸ ۶-۱۳-۴- جابجایی ارکان جملات
- ۱۰۹ ۷-۱۳-۴- آغاز و انجام داستان
- ۱۱۰ ۸-۱۳-۴- پایان خوش قصه ی سه بزغاله
- ۱۱۰ ۱۴-۴- **قصه ی کدو قلقل زن**
- ۱۱۱ ۱-۱۴-۴- قصه ی کدو قلقل زن از سری داستان های ایرانی

- ۱۱۲ ۴-۱۴-۲- تخیلی بودن قصه ی کدو قلقل زن
- ۱۱۲ ۴-۱۴-۳- کدو قلقل زن یک اسم خاص
- ۱۱۳ ۴-۱۴-۴- آغاز و انجام قصه ی کدو قلقل زن مانند دیگر قصه های ایرانی
- ۱۱۳ ۴-۱۴-۵- پایان خوش قصه ی کدو قلقل زن
- ۱۱۴ ۴-۱۴-۶- زاویه ی دید
- ۱۱۴ ۴-۱۴-۷- لحن
- ۱۱۴ ۴-۱۴-۸- طرح ساده
- ۱۱۴ ۴-۱۴-۹- قصه ی کدو قلقل زن از سری داستان های فابل (fable)
- ۱۱۵ ۴-۱۴-۱۰- قصه ی کدو قلقل زن از سری داستان های کنت (cont)
- ۱۱۵ ۴-۱۵-۱- داستان شتر سوار
- ۱۱۵ ۴-۱۵-۱- جنبه ی آموزشی داستان شترسوار
- ۱۱۶ ۴-۱۵-۲- زاویه ی دید
- ۱۱۶ ۴-۱۵-۳- قهرمان داستان
- ۱۱۶ ۴-۱۵-۴- پایان خوش داستان شترسوار
- ۱۱۷ ۴-۱۶-۱- قصه ی شکمبه سر
- ۱۲۱ ۴-۱۶-۱- معرفی داستان
- ۱۲۱ ۴-۱۶-۲- قصه شکمبه سر از سری داستان های حادثه ای پردازانه ای تام
- ۱۲۲ ۴-۱۶-۳- نام گذاری قصه شکمبه سر
- ۱۲۲ ۴-۱۶-۴- نام گذاری شخصیت اصلی داستان
- ۱۲۲ ۴-۱۶-۵- آموزش ثبات و استقامت برای رسیدن به هدف
- ۱۲۳ ۴-۱۶-۶- شخصیت ایستا
- ۱۲۳ ۴-۱۶-۷- کره اسب سیاه، منجی پسر پادشاه
- ۱۲۳ ۴-۱۶-۸- ساختمان و ساختار

۱۲۴ ۹-۱۶-۴- آغاز، میانه و پایان قصه ی شکمبه سر.....

۱۲۴ ۱۰-۱۶-۴- قصه های عامیانه ایرانی آمیخته ای از خیال و واقعیت.....

فصل پنجم: نتیجه گیری

۱۲۷ ۱-۵- نتیجه.....

۱۲۹ فهرست منابع.....

۱۳۳ چکیده انگلیسی.....

مقدمه

ادبیات فولکلور در شکل های نثر و نظم توانسته پیچ و خم های فرهنگ ایران را از زمان باستان بدون نوشتار تا کنون نشان دهد. ادبیات به عنوان یکی از عناصر سازنده فرهنگ و تمدن ملت ها دوشادوش مسیر تکامل فرهنگ پیش رفته است، تا آنجا که اگر بخواهیم نقاط کورتمدنی فرهنگی برخی از دوران ها را بیابیم می توانیم به آئین و رسوم سنتی آن مناطق بنگریم و این پژوهش و کندوکاو همان پژوهش در فرهنگ عامه است.

فرهنگ شفاهی عنصری است که توانسته بخشی از عادات، آداب و رسوم فرهنگی دوران های پیش را به انسان معاصر انتقال دهد. فرهنگ شفاهی به دلیل انتقال تجربه در ابتدا شکل گرفته است. در واقع تاریخ شفاهی، تاریخی غیرقابل نشانه گذاری دارد. نمی توان دانست که انسان از چه زمانی تجربیاتش را با زبان انتقال داد، اما این نکته مهم است که زبان به عنوان عنصری پویا و در حال رشد و حرکت، همیشه در کنار تجربیات انسان بوده و یکی از قابل اعتماد ترین ابزارها و سریع ترین ها برای جابه جایی تجربه است و ادبیات محصول همین نگرش است.

ادبیات فولکلور ایران، پیشینه ای حدود سه هزار سال دارد. یعنی از زمانی که برخی از متون زرتشتی سخن از برخی حماسه ها و پهلوانان گفتند. ادبیات فولکلور ایران آمیزه ای از حماسه، عادات و آداب و رسوم است که از دیرباز به فرهنگ و تمدن شهره بوده اند، در ادب عامه ی ایران می توان شرافت، انسانیت، گذشت، توانمندی و بسیاری از عادات پسندیده را دید. ادبیات فولکلور ایران را می توان در چند دسته بررسی کرد. شعر، قصه، افسانه، حماسه، آئین های نمایشی و ادب فولکلور رمانتیک یا غنایی. شعر فولکلور بازگو کننده ی همان تاریخ شفاهی است و عموماً از رنج، عشق، سفر و ... می گوید و در تمام این مفاهیم به عبرت آموزی آن تأکید می ورزد، که به شکل دو بیتی و چهارپاره سروده می شود، لالایی ها هم نوع دیگری از اشعار فولکلور به شمار می روند و شعرها، ترانه هایی که در لالایی خوانده می شود، عموماً ریشه در افسانه ها و آداب مردم دارد.

ادبیات فولکلور به ادبیات شفاهی باز می گردد، ادبیاتی که اگرچه برخی از مفاهیم آن مکتوب شده اند، اما هنوز بالندگی اش به شفاهی بودن است. برای ثبت این ادبیات باید تمام قصه ها،

افسانه‌ها، ضرب‌المثل‌ها و لالایی‌ها را مکتوب کرد. متأسفانه ادبیات فولکلور آن‌گونه که باید و شاید مورد توجه قرار نگرفته است. در فرآیند توسعه‌ی جامعه‌ی بشری می‌توان دوره‌هایی را یافت که ادبیات مردمی به دیده‌ی حقارت نگریسته شده است. در این دوره‌ها ادبیات کلاسیک به عنوان جلوه‌ی بارز هنر مورد توجه قرار گرفته است، غافل از آن که ادبیات فولکلور تا چه حد درآفرینش‌های ادبیات کلاسیک موثر بوده است و ادبیات کلاسیک به آن مدیون است. البته باید این موضوع را مد نظر داشت که گاهی اوقات برخی از آثار که موضوع‌های یکسان دارند، اگر چه ممکن است از نظر مکان یا زمان فاصله‌ی زیادی با هم داشته باشند، اما از نظر شکل ظاهری، ترکیب و شیوه‌ی کنار هم قرار دادن وقایع یا تصاویر، تیپ‌های شخصیتی و یا روانشناسی تک‌تک افراد و جزئیات باهم مطابق هستند. (بیری، ۱۳۸۱: ۱۲)

ادبیات فولکلور تنها به آثار گذشته محدود نمی‌شود، بلکه آفرینش دوباره‌ی آثار ادبی را نیز شامل می‌شود. ادبیات فولکلور از گذشته تاکنون به طور مستمر و عجیب با تاریخ بشر همگام بوده است. ماکسیم گورکی (Maxim Gorki) با اشاره به اهمیت ادبیات گذشته می‌گوید: «افسانه‌های قدیمی، اسطوره‌ها و داستان‌ها برای ما آشنا به نظر می‌رسند، اما درک عمیق مفهوم اولیه‌ی آنها بسیار ضروری است.» موضوع‌های ادبیات فولکلور موضوع‌هایی واقعی هستند. زیرا زمانی که خطر انسان را تهدید می‌کند، باید آموزش راهنمایی کند و به انسان جرأت و صبر بدهد و از این رو موضوع‌های ادبیات فولکلور با اوضاع روزگار مطابقت دارند؛ اما هنگامی که خطر از بین برود و زندگی توأم با آرامش شود، انسان به موضوع‌های تخیلی و ایده‌آل روی می‌آورد. (همان: ۱۳)

معنی اندروی بسان دانه است

ای برادر قصه چون پیمان‌ه است

ننگرد پیمان‌ه را گرگشت نقل

دانه معنی بگیرد مرد عقل

(مولوی، ج اول، ۱۳۶۴: ۲۰۱)

در زبان فارسی برای فولکلور معادل هایی چون فرهنگ توده، دانش عوام، توده شناسی، فرهنگ عامه و فرهنگ مردم برگزیده شده، ولی هنوز واژه ای که مقبولیت عام یافته باشد و همه ی خصایص این کلمه ترکیبی را دربر گیرد، به دست نیامده است. زمانی که از فولکلور ملتی سخن به میان می آید، سخن از افسانه ها، ترانه ها، عقاید، آداب و رسوم، مذهب، گویش ها، ضرب المثل ها، چیستان ها، بازی ها و هزاران پدیده اجتماعی دیگر مطرح می شود که بازگو کننده ی شیوه ی واقعی زندگی، اندیشه ها و احساسات آن مردم است. (طباطبایی اردکانی، ۱۳۸۱: ۳۳۳)

افسانه سرایی و قصه گویی از سنن قدیم و کهن کشور ایران به شمار می رود و شواهد آن از زمان زرتشت و قبل از آن موجود است. «هرودت» به هنر داستان گوی و افسانه سرایی ایرانیان اشاره کرده است و در زمان ساسانیان نقل داستان های مذهبی و غیرمذهبی رواج داشته و این افسانه ها به خارج از مرزهای ایران راه پیدا کرده است. قصه ها در ادبیات عامیانه جایی ویژه دارد. در داستان های عامیانه افراد طبقه ی فرودین جامعه و گاهی حیوانات، مظهر و در بردارنده ی ویژگی های قهرمانان هستند. هم چنین در ورای قصه ها، معنی و آرزو و رازی نهفته است که خواننده و شنونده حقیقت را از مجاز باز شناسد. (همان: ۵۳۹)

افسانه ها لبریز از رموز و ظرافت همراه باتخیل است. گویی که راوی قصه می خواهد جامعه ی آرمانی خود را به تصویر بکشد. قصه در مسیر خود گاه دستخوش تغییر و تحول می شود که می توان آن را به دو گونه تقسیم کرد:

الف) تغییراتی که بر اثر علاقه یا سلیقه ی شخصی راوی صورت می گیرد.

ب) تحولاتی که به سبب علاقه یا سلیقه ی شنونده بوجود می آید.

یعنی راوی قصه برحسب واکنش های روحی و روانی شنونده هنگام نقل کردن آن، هیجان لازم را به وجود می آورد و به داستان رنگ و جلا می دهد.

هرگاه بیداد و ستم مردم را درمانده کرده، افسانه در شکل مبارزه با خودکامگی شکل گرفته و

سرانجام نور بر ظلمت پیروز شده است. (طباطبایی اردکانی، ۱۳۸۱: ۵۴۲)